

شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های اجتماعی

نعمت طرهانی^۱

چکیده:

در کلیه ابعاد شناخته شده بحران‌های اجتماعی مولفه عدم مدیریت داخلی نسبت به سایر مولفه‌های دیگر مهم‌تر و حائز اهمیت‌تر می‌باشد. مولفه عدم مدیریت داخلی پاشنه آشیل بحران‌های اجتماعی است. این مهم همچنین در مدیریت بحران‌های اجتماعی نیز - قبل، حین و بعد از وقوع بحران - مانع از اقدام به موقع-غیرنظامی و غیرامنیتی - می‌شود. با این وجود به نظر می‌رسد انگشت مسعولین غالباً به سمت خارج از کشور نشانه می‌رود. حال آنکه بیش‌تر در نتیجه عدم مدیریت داخلی ایشان، حمایت و دخالت خارجی محالی برای موج‌سواری پیدا می‌کند. در نهایت با استفاده از تکنیک فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، نتایج کلی پژوهش حاکی از آن است که بحران‌های اجتماعی دارای سه بُعد و هفت مولفه و ۴۲ شاخص که در قالب یک مدل مفهومی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: بحران اجتماعی، ابعاد بحران اجتماعی، مولفه بحران اجتماعی، شاخص بحران اجتماعی

مقدمه:

جمهوری اسلامی ایران در طول چهل سال گذشته به واسطه تجربه دموکراسی جدید، رقابت‌های مخرب سیاسی، مشکلات اقتصادی و... با وقایع متعدد اجتماعی (اعتراض صنفی، مطالبه مردمی، ناآرامی و...) مواجه بوده است. از وقایع اجتماعی موصوف در داخل کشور با عناوینی هم‌چون فتنه، اغتشاش، ناآرامی و از سوی ضدانقلاب و دشمنان با عناوینی انقلاب، بحران و... یاد می‌گردد. این تعاریف و برداشت‌های متفاوت از یک موضوع واحد، همواره دغدغه و مسئله محقق بوده است. به نظر می‌رسد عدم تعیین تعریف دقیق عناصر شکل‌دهنده گفتمان امنیتی در ج.ا.ی به خصوص در حوزه امنیت داخلی باعث شده مرز بین بحران‌های اجتماعی با پدیده‌ها و مسائل امنیتی مشخص نگردد. امنیتی کردن موضوعات و پدیده‌ها به معنای به چالش کشیدن جامعه و افزایش هزینه برای حل مشکل است. مسائل لزوماً امنیتی نیستند، بلکه به واسطه مفهوم نامشخص امنیت داخلی، امنیتی می‌شوند در مقابل رویکردهای مبتنی بر امنیتی‌سازی در جهت غیرامنیتی کردن باید حدود مسائل امنیت داخلی را تحدید و تعریف نمود. تا از هرگونه اعمال مدیریت سلیقه‌ای و افزایش هزینه در حوزه بحران‌های اجتماعی جلوگیری گردد. سخن کوتاه اینکه فهم، تشخیص و تمایز بحران اجتماعی از پدیده‌ها و مسائل امنیتی بسیار مهم است تا آنجا که همواره مهم‌ترین مسئله در مدیریت بحران، تشخیص بوده است.

بنابراین در صورت تبیین و ترسیم ابعاد و مولفه‌ها و شاخص‌ها در حوزه بحران‌های اجتماعی، عامل تعیین‌کننده‌ای وجود خواهد داشت که مرز بحران‌های اجتماعی را از پدیده‌ها و مسائل امنیتی جدا نمود. به عبارت دیگر تعیین ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های هر پدیده ضمن تحلیل منطقی و علمی، امکان ایجاد زمینه برای هدف‌گذاری دقیق، تدوین درست راهبردها و هدایت مناسب اقدامات اجرایی را نیز فراهم می‌سازد. از این رو محقق برای مرتفع نمودن دغدغه خود نسبت به شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های اجتماعی با رویکرد علمی آمیخته با نگاه امنیتی همت گمارده است.

پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های اجتماعی و ارائه یک مدل مفهومی انجام شده است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر از نوع اکتشافی می‌باشد فاقد فرضیه است. تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی است و مطالعات اکتشافی به روش کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی انجام و پس از تدوین ادبیات موضوع، جامعه خبره از میان ۱۴ تن از کارکنان یکی از مراکز امنیتی و صاحب‌نظران دانشگاهی انتخاب و با استفاده از ماتریس مقایسه زوجی از آن‌ها پیرامون ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های بحران اجتماعی نظرسنجی شد. براساس روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی^۱ داده‌ها (AHP) نظرات تخصصی خبرگان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در مجموع مستند به بررسی‌های انجام شده از سوی محقق (پیرامون پیشینه پژوهش)، در تحقیقات قبلی بیش‌تر

1. Analytic Hierarchy- Process (AHP)

به علل، تبیین، اصول و مبانی نظری بحران‌های اجتماعی به همراه مدیریت بحران‌های اجتماعی پرداخته شده است. لیکن تاکنون تحقیقی پیرامون ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های اجتماعی انجام نشده است.

بخش اول - مبانی نظری و مفهومی پژوهش:

الف) بحران اجتماعی از دیدگاه متفکرین:

تدگار

ایشان معتقد است احساس محرومیت نسبی در ذهن، عامل اصلی بروز اعتراضات مردمی علیه شرایط حاکم است. وی می‌گوید حرکت‌های اعتراضی ابتدا در قالب عملکرد گفتاری و در ادامه رفتاری منجر به تشدید اعتراض در جوامع و حرکت آن به سمت تحولات اجتماعی و سیاسی می‌شود. (تدگار، ۱۳۷۷: ۱۲۸) ملوین بستدر^۱

ایشان در تشریح چگونگی بروز بحران‌های اجتماعی، نبود ثبات در جوامع را ناشی از عدم تعادل بین نیاز و داشته دانسته و شرط رسیدن به این ثبات را تعادل بین آن‌ها بدون استفاده از قدرت می‌داند (ساوودرودی و عسگری، ۱۳۹۲: ۵۳).

لقونارد بایندر

ایشان در تبیین بحران‌های اجتماعی، شش بحران را برای هر نظام سیاسی بر می‌شمارد که عبور از این شش بحران شرط توسعه سیاسی هر نظام، و یا به عبارت بهتر دست‌یابی به جامعه‌مدنی است. این بحران‌ها شامل بحران‌های هویت، مشارکت، مشروعیت، رسوخ‌پذیری، توزیع و ادغام اجتماعی می‌باشد (خبیری، بی‌تا: ۱۳۵). ایشان معتقد است که بحران‌ها در نتیجه بروز تناقض بین نشانگان سه‌گانه توسعه یعنی، برابری فرهنگی، ظرفیت اقتصادی و انفکاک اجتماعی ایجاد می‌شود (قاعدی، ۱۳۸۲: ۳۱۷).

مارکس^۲

ایشان علل وقوع بحران اجتماعی را تضاد طبقاتی دانسته و می‌گوید این تضاد در دراز مدت منجر به قیام پرولتاریا علیه بورژوازی شده و جامعه دچار بحران اجتماعی می‌شود (همان). (ساوودرودی و عسگری، ۱۳۹۲: ۵۶).

کنت والتز^۳

ایشان علت اصلی ریشه بحران‌ها را در «ناامنی» معرفی می‌کنند. وی در کنکاش پیرامون ناامنی معتقد است که منبع اصلی ناامنی را باید در طبع بشری جستجو کرد با توسعه آموزشی، اخلاقی، مذهبی و فلسفی، نوع بشر می‌توان در صلح و امنیت زندگی کند (قاعدی، ۱۳۸۲: ۳۱۷).

1. Melvin Bastard

2. Marx

3. Cant Waltz

آلموند^۱

منشاء بحران، یا در ذات هر نظام سیاسی و یا در عوامل محیطی نهفته است. بحرانی که از دیدگاه نظام سرچشمه می‌گیرد را «بحران منبعث از نظام» نام می‌نهند و معتقدند هر نظام علاوه بر گرایش به سوی استواری، درگیر بحران‌ها و ناستواری نیز می‌باشد. ناستواری‌ها و بحران‌های مزبور نیز ناشی از تقاضایی است که اقتدار تصمیم‌گیرندگان صاحب منصب (اعم از منصوب یا منتخب) را مورد تهدید قرار می‌دهند. این تهدید ممکن است در قالب عدم تمکین، مقاومت اعتراض‌آمیز، عدم اطاعت، اعتصابات و ترور، بروز کند (همان).

بوزان

ایشان بر این باور است که اجتماعات به مقوله هویت، اهمیت بسیاری می‌دهند. وی چنین استدلال می‌کند که: مقوله کلید اجتماع عبارت است از آن دسته از عقاید و اعمالی که افراد آن را به عنوان اعضای آن جامعه خاص معرفی می‌کنند و باز می‌شناسانند. اجتماع درگیر هویت است و درگیر خودباوری گروه‌ها و افرادی که خود را اعضای اجتماع می‌دانند. (تقی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۲۴-۱۲۵) بوزان مفهوم ارگانیکی امنیت اجتماعی را هویت دانسته و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویت تلقی می‌کند. (همان، ۱۲۹).

مولار^۲

ایشان معتقد است امنیت در سه شکل ملی، اجتماعی و انسانی وجود دارد وی خاطر نشان می‌کند امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که جامعه تهدیدی در باب مولفه‌های هویتی خود احساس کند (تقی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۲۶).

ویور^۳

ایشان امنیت اجتماعی را توان یک جامعه برای پاسداری از هویت جمعی‌شان در مقابل تهدیدات واقعی و فرضی می‌داند (همان).

ب) تعاریف و تبیین بحران‌های اجتماعی:

اصطلاح بحران (Crisis) که از یک واژه طبی یونانی گرفته شده، به شرایط، اوضاع و یا دوران خطرناک و فاقد اطمینانی اطلاق می‌شود که با آن تعادل ناپدید می‌شود و از ظهور اجتناب‌ناپذیر شرایط و اوضاعی جدید خبر می‌دهد. بحران اجتماعی عبارت است از به مخاطره افتادن و به هم خوردن تبادل عمومی و زندگی اجتماعی، بر اثر اختلالات یا مقتضیات پدید آمده در جزء یا اجزایی از جامعه، که یا بر اثر عدم سازگاری سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر و یا به خاطر ناتوانی مؤسسات اجتماعی در تحقق اهداف ساخت‌ها و نهادهای اجتماعی به وجود می‌آید (www.cloob.com).

1. Almond

2. Molar

3. Weaver

بحران جزء جدایی‌ناپذیر و همیشگی جوامع نوین است. پژوهشگران برای مطالعه بحران و نحوه اداره آن به دنبال محرک‌های اقتصادی و سیاسی هستند. جامعه‌شناسان، بحران را در بی‌عدالتی موجود در جامعه، مشکلات اجتماعی و موارد مشابه جستجو می‌کنند. روانشناسان، بحران را بی‌هویتی افراد و یا پوچ‌گرایی انسان‌ها و هیجانات کاذب آن‌ها تعریف می‌کنند. از این منظر فرد و عکس‌العمل وی در برابر بحران مورد مطالعه قرار می‌گیرد (خان‌محمدی، معمارزاده و وفادار، ۱۳۸۹: ۱۰۳-۱۰۴).

برخی نیز بحران را با «وضع اضطراری» و «حالت فوق‌العاده» یکی دانسته‌اند. وضع اضطراری نیز وضعیتی است که به موجب آن، حیات و نظم یک دولت در مخاطره قرار می‌گیرد، به طوری که نمی‌تواند از طریق پروسه‌های طبیعی قانون اساسی به شکل عادی درآید. در این شرایط لازم می‌شود که به منظور حفظ نظام قانونی و حکومت، اختیارات فوق‌العاده‌ای در دست دولت متمرکز گردد تا بتواند بر وضع استثنایی غلبه کند. حالت فوق‌العاده ممکن است ناشی از تأثیرات یک جنگ خارجی باشد و یا ناشی از شورش، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی و مصایب بزرگ طبیعی، معمولاً در هر دو صورت بالا، تهدید آزادی‌های فردی و تمرکز قدرت دولتی را لازمه مقابله با حالت فوق‌العاده دانسته‌اند. وضع فوق‌العاده در قوانین اساسی کشورهای جهان به تدریج شناخته شده و با مرور زمان بسط یافته و به عنوان عذری موجه برای عدول از مبانی حقوق اساسی پذیرفته شده است. با این همه، اقدامات مزبور باید معقول باشند. همچنین، برخی، بحران را با «ناآرامی اجتماعی» یکی گرفته‌اند. ناآرامی اجتماعی وضعیتی است که در آن نارضایتی از واقعه، جریان یا وضعی، گسترش یابد و باعث بروز رفتارهای خشم‌آلود و گاهی نیز حرکت‌های انقلابی گردد (قاعدی، ۱۳۸۲: ۳۱۷).

در آستانه هزاره سوم، سرعت بالای تحولات ناشی از انقلاب ارتباطات به همراه پدیده یا پروژه جهانی شدن^۱ جوامع را در حوزه‌های فروملی، با آشوب‌ها و بحران‌های نوین در سطح ملی مواجه کرده است. در بسیاری از کشورهای که ساختار و نهاد سیاسی منظم دارند اعتراض خیابانی به سیاست‌های جاری، امری معمول و روزمره است تا جایی که ناآرامی‌های اجتماعی را یکی از واقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر جامعه مدنی می‌دانند.

بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی^۲ رسمیت دادن به اعتراض و پذیرش آن، نه تنها یک حق قانونی است بلکه حتی الزام و اجبار هم هست. چون اعتراضات مردم از دو حال خارج نیست؛ یا اعتراضات قابل قبول است و باید به آن توجه کرد یا اعتراضات قابل قبول نیست و باید مردم را اقناع نمود. بوزان معتقد است امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف و از نظر تعریف، مبهم ولی از نظر سیاسی، مفهومی قدرتمند باقی مانده است، مفهوم نامشخص امنیت ملی راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می‌گذارد (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۰).

1. globalization -

۲. تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه خلل به مبانی اسلام نباشد آزاد است

ج) شکل‌گیری و علل بحران‌های اجتماعی:

بحران اجتماعی گاهی اوقات فقط جزئی از جامعه را فرا می‌گیرد و با مسائل اجتماعی خاصی مرتبط می‌شود. «مانند نابسامانی ناشی از کمی دستمزدها»، که در این صورت بحران اجتماعی، جزئی خوانده می‌شود، در این صورت کنترل و هدایت آن توسط نیروی اجتماعی غالب آسان خواهد بود. اما گاهی اوقات بحران اجتماعی عمومی است، که در این صورت بر مجموع ساخت‌ها و نهادهای یک جامعه، به جهت تأخیر و عدم تطابق آنان با انتظارات موجود در باب پیشروی یک جامعه جدید و مترقی، اثر می‌گذارد، در نتیجه چنان نابسامانی عمومی و عدم تعادلی فراگیر، در جامعه بروز می‌کند، که گسست نظم موجود و پیدایی دگرگونی‌های اجتماعی بنیادی «انقلابی»، را قابل پیش‌بینی می‌سازد. بحران اجتماعی عمومی ناشی از آن است که جامعه توانایی سازمان‌یابی و حفظ نظم اجتماعی را نداشته و از نیروی درونی جهت حل مسایل مرتبط با تطور و توسعه‌اش برخوردار نیست، به عبارت دیگر خود ساخت، بحران‌زده است و مسایل اجتماعی که مطرح می‌شوند، چنان گسترده‌اند که نظم اجتماعی موجود را به مخاطره می‌افکنند. اگر یک نیروی اجتماعی غالب و موافق دگرگونی‌ها وجود داشته باشد و از طرفی اصلاحات اجتماعی ضروری و لازم به موقع صورت بگیرند، چنین بحران‌های اجتماعی گسترده و عمومی را نیز می‌توان کنترل و هدایت نمود. بحران‌های اقتصادی و سیاسی انواعی از بحران‌های اجتماعی هستند که بر اساس اهمیت و آثاری که بر مجموع جامعه می‌گذارند به عمومی و جزئی تقسیم شده‌اند (آراسته‌خواه، ۱۳۸۱: ۲۷۴).

بحران اجتماعی سطوحی دارد و شامل آشفتگی اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و انقلاب اجتماعی می‌شود. تغییر در ساختارها باعث گسسته شدن رفتار و روابط متقابل می‌گردد و در نتیجه فرایند جامعه‌پذیری مختل و غیر مؤثر شده در نتیجه بحران اجتماعی ظاهر می‌شود. همچنین در صورتی که سازگاری سازمان‌های جامعه کاهش یابد جامعه دستخوش بحران و آشفتگی اجتماعی می‌شود. ولی اگر سازگاری سازمان‌های جامعه به شدت رو به زوال رود، در این صورت نظم اجتماعی جای خود را به بی‌نظمی می‌دهد و بی‌سازمانی رخ می‌دهد. اگر بحران در سطح مؤسسات به اقدام ساختار نهادها منجر شود، انقلاب‌های اجتماعی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (www.cloob.com).

بحران‌های اجتماعی، حرکت بخشی از توده در اعتراض به تأثیر یک وضعیت غیرقابل قبول در روند زندگی آنهاست که بیش‌تر ناشی از رواج بی‌عدالتی، بی‌قانونی، فقر، احساس فاصله بین غنی و فقیر است. دلایل اصلی این وضعیت بیشتر ناشی از ناکارآمدی مسئولین در اداره امور جامعه، نگاه یک جانبه تصمیم‌گران به موضوعات توسعه، رشد شتابان اقتصادی، اختلاف سلیقه بین نخبگان و گرفتار شدن در نظریه‌های سیاسی، تغییر هیات حاکمه و مواردی مانند آن است. بخش عمده بحران‌های اجتماعی را می‌توان در عدم وجود رفاه اجتماعی و عدالت به ویژه عدالت توزیعی خلاصه نمود (ساوه‌دودی و عسگری، ۱۳۹۲: ۵۱).

بحران‌ها یک دوره گذر اولیه را طی کرده و یک شبه به وجود نمی‌آیند. اگر چه در تعریف از بحران آن را اقدام و یا حرکتی سریع ارزیابی می‌کنند، اما این حرکت سریع فقط مربوط به دوران ظهور و اوج بحران است. زمینه‌های بروز بحران در دوران شکل‌گیری اولیه، مدت زمان طولانی را به خود اختصاص می‌دهد و بعد از آماده شدن متناسب با یک رویداد و یا واقع تشدیدساز ظهور پیدا می‌کند بنابراین شناخت روند شکل‌گیری بحران مهم است (ساوودرودی، ۱۳۹۰: ۲۳۷).

بسیاری از محققین، تهدیدات و بحران را مقولاتی زمینه‌وند می‌دانند که یک‌باره پدیدار نمی‌شود، بلکه طی فرایندی تدریجی در بستر جامعه شکل و تکوین می‌یابند. پس تهدیدها، متناسب با اهداف و شرایط حاکم بر آنها، تحولی تدریجی را از یک پدیده اجتماعی ساده (در مرحله تکوین) تا بحرانی تمام عیار (در مرحله سیاسی - امنیتی) طی می‌نمایند که حکایت از افزایش شدت تهدید متناسب با تکامل آن دارد. به این صورت که می‌توان شدت یک تهدید را با شاخصی به نام «زمان دگردیسی» مرتبط دانست. منظور از دگردیسی مدت زمانی است که یک تهدید برای تغییر وضعیت خود از پدیده‌ای اجتماعی به «مسئله»، و همین‌طور از مسئله به «مشکل» و «معطل» و ... تا «بحران» لازم دارد (بمادری، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

جامعه‌مدنی و بحران‌های اجتماعی دو مفهومی می‌باشند که در رابطه و تعامل نزدیک با یکدیگر قرار دارند به عبارت بهتر، پایان یکی به مفهوم آغاز دیگری است (خیبری، بی‌تا: ۱۳۴-۱۳۵). در کشورهای در حال گذار بحران‌های زیادی به چشم می‌خورد (از ویژگی جوامع در حال گذار است) مردم در این جوامع از حیث فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به طور کلی در حال عبور از دوره‌ای به دوره دیگر هستند گذار آنها از دوره‌ای به دوره دیگر همواره با خود، تنش و آسیب‌های زیادی دارد که آنها تحت عنوان زنجیره بحران‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی شناخته می‌شوند، برآیند این بحران‌ها در نهایت بحران امنیت ملی را در این جوامع پدید می‌آورد (ربیع، ۱۳۸۶: ۵۶). هگل^۱ می‌گوید روح دولت‌ها و ملت‌ها، در ورطه بحران شکل می‌گیرد. (سوری، ۱۳۹۴: ۹۹)

بحران‌های اجتماعی اغلب با پدیدار شدن، روند توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را دچار اختلال می‌کنند و گهگاه باعث نوعی بی‌ثباتی در جامعه می‌شوند که در حوزه‌های مختلف خود را نمایان می‌سازد. به عنوان مثال در حوزه فرهنگ «فرهنگ رسمی؛ معطوف به عقاید، ارزش‌ها و هنجارهایی است که از نظر دولت مجاز است و تشویق و ترویج می‌شود. در مقابل، فرهنگ غیررسمی ناظر بر ارزش‌ها، عقاید و هنجارهایی است که به صورت خودجوش سرپراورده و پناهگاه کسانی است که می‌خواهند خارج از چارچوب‌های فرهنگی و ایدئولوژیک حکومت، باورها و ارزش‌ها و قضاوت‌های خاص خود را داشته باشند» (تاجیک، ۱۳۸۶: ۱۳۵-۱۳۴).

بر اساس نظریه محرومیت نسبی، بسیج گروه‌های اجتماعی در این احساس است که کمتر از آنچه حقیقتان

1. Hegel

است دریافت می‌کنند. مهم‌تر از واقعیت‌های عینی؛ وجود احساس روانی و ذهنی در این زمینه است. این ناامنی‌ها بیشتر ناشی از فاصله بین فقیر و غنی است. توده فرودست با مشاهده فشارهای اقتصادی وارده و مقایسه خود با دیگر طبقه غنی دست به اعتراض می‌زنند. ریشه اصلی و عوامل ایجاد این وضعیت بیشتر اوقات ناشی از ناکارآمدی مدیران و تصمیم‌گیران و بی‌توجهی آنها به مسایل جامعه است. درک درست از واقعیت‌های اجتماعی و توجه به نیازهای توده در تمام نقاط کشور، پرهیز از یک سونگري به حل مسایل، توجه به عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر با توجه به شرایط افراد از مهم‌ترین رویکردهای خروج از بحران‌هایی است که زیرساخت‌های آن را مشکلات اقتصادی تشکیل می‌دهد. به همین دلیل بی‌عدالتی را می‌توان مهم‌ترین عامل شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی دانست که بیشتر به عدالت اجتماعی مربوط می‌شود (ساوه‌دودی و عسگری، ۱۳۹۲: ۵۴).

بحران‌های اجتماعی بیش‌تر با رویکرد اقتصادی و در اعتراض به شرایط ناشی از تورم، گرانی، بیکاری، فقر، بزه‌کاری، فساد اداری، مدیریت نامناسب، واگرایی درون‌گفتمانی بین تصمیم‌گیران، کم‌توجهی به ابعاد توسعه و یک جانبه‌گرایی در به‌کارگیری یکی از آنها، تشدید اختلاف بین نخبگان دولتی و غیردولتی و مواردی مانند آن شکل می‌گیرد. این مهم در ادامه با توجه به شرایط سیاسی-اجتماعی حاکم بر کشور و ظهور گفتمان‌های متعدد و در برخی موارد دخالت بیگانه تبدیل به بحران سیاسی شده و زمینه‌ها را برای افزایش تحركات اجتماعی و سیاسی در قالب ایجاد بحران علیه دولت فراهم سازد (ناکینی، ۱۳۹۶: ۶۹). شدت‌یابی معضلات اجتماعی- ساختاری اعم از فساد، بی‌کاری، آسیب‌های اجتماعی و ناامیدی اجتماعی است که توالی، تجمیع و تصاعد آنها و ناتوانی حکومت در مدیریت و حل آنها می‌تواند به آزادشدن ظرفیت‌های جنبشی جامعه منجر شده و این ظرفیت را به سمت شکل‌گیری نوعی ناآرامی خیابانی جهت دهد. در واقع، در شرایط کنونی، بخش قابل توجهی از تجربه جامعه جنبشی ایران - که سودای آینده روشن در سایه پیشرفت و رفاه اجتماعی را در سر دارد- با پدیده بیکاری، تورم، نابرابری، فساد، احساس تبعیض و فقر آمیخته شده است. اقتصاد کشور به رغم برخورداری نیروی انسانی جامعه از میزان باسواد نسبتاً بالا -در مقایسه با سایر کشورهای منطقه- و همچنین میانگین بالای سطح آموزش، به علت مشکلات ساختاری و قرارگرفتن در حاشیه اقتصاد جهانی، قادر نیست برای آنها کار بیافریند، به گونه‌ای که نرخ بیکاری در میان جوانان حتی تا دو برابر میانگین بیکاری کل کشور تخمین زده می‌شود. در واقع، وقتی بوروکراسی موجود فاقد توانایی لازم برای پاسخ به مشکلات باشد و نتواند بر پایه رویه‌ها و قوانین و سیاست‌های رسمی مشکلات جامعه را حل کند، هر مسئله یا مشکل کوچک و بزرگی به سادگی قابلیت تبدیل شدن به بحران را پیدا می‌کند (پورسعید، ۱۳۹۶).

بحث قابل توجهی از این بحران‌ها ناشی از مباحث قومی و نژادی است. بحران‌های اجتماعی در این حوزه

اگر مدیریت نشود می‌تواند منجر به بروز بحران‌های سیاسی در حوزه‌های بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران مشارکت، بحران توزیع و بحران نفوذ گردد (ساوه‌رودی و عسگری، ۱۳۹۲: ۵۵). بازیگران موثر در این بحران را می‌توان در گروه‌های چندگانه دولت، معترضان، قربانیان، میانجی‌گران و حامیان هر یک از آن‌ها در چهار سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی طبقه‌بندی نمود (ناکینی، ۱۳۹۶: ۸۱).

ورود اقوام و فرق ادیان به عنوان بازیگران یک بحران اجتماعی تابع سیاست‌های قومی و ایدئولوژیک تصمیم‌گیرندگان نظام است ذهنیت‌های ناصحیح می‌تواند اقلیت‌های قومی و مذهبی را مشغول یک بحران اجتماعی نماید به این معنا که عدالت فقط توزیع عادلانه ثروت و امکانات نیست بلکه اعطای حقوق برابر به شهروندان یکی از مصادیق عدالت است. بنابراین «هر جامعه‌ای می‌تواند نابرابری‌های فراوانی را تحمل کند ولی هرگز ناهمگونی‌های بیش از حد را نمی‌تواند تاب آورد» (پیغمبردوست، ۱۳۸۸: ۱۲۱). در همین راستا نابرابری در فرصت‌ها برای قومیت‌ها و اقلیت‌ها دینی بیش از نابرابری در منابع و امکانات اهمیت دارد. ایران در ردیف کشورهای در حال گذار با جمعیتی جوان و با ساختار متنوع و ترکیب جمعیتی متفاوت در این رهگذر با آسیب‌هایی مواجه بوده که یکی از آنها ناشی از بحران اجتماعی است.

رقابت تخریبی و حذفی بین نخبگان حکومتی و به اصطلاح شکل‌گیری وضعیت جناحی شدن نخبگان رسمی است. در این وضعیت دو حالت محتمل ممکن است رخ دهد؛ یا یک بخش از حاکمیت موفق می‌شود مسبب تمامی مشکلات جامعه را طرف مقابل معرفی کند و در این صورت، زنجیره‌های هم‌ارزی از جامعه جنبشی را پشت سر خود علیه بخش دیگر حاکمیت بسیج می‌کند و یا اینکه بر اثر رقابت درون‌حاکمیتی هر دو بخش به شدت ضعیف و شکننده می‌شوند و نیروی سومی که بیرون از حاکمیت است در پی بسیج و شکل‌دهی به زنجیره‌های هم‌ارزی در بستر جامعه جنبشی خواهد رفت (پورسعيد، ۱۳۹۶).

تمام مردمی که در قلمرو یک قدرت سیاسی به سر می‌برند، جزء یک واحد فراگیر به شمار می‌آیند که در برابر حکومت دارای حقوق و تکالیفی هستند حکومت نیز مظهر خواست و اراده ملی و حافظ نظم و قانون در داخل کشور و مسئول مقابله با تهدید خارجی در بیرون آن است. ناتوانی دولت‌های ملی در انجام تکالیف قانونی نظیر برقراری نظم، امنیت، ایجاد رفاه، و توسعه سیاسی. اجتماعی و نیز ناتوانی در پاسخ‌گویی به تقاضاهای روبه رشد مردم، پتانسیل بسیج جامعه‌توده را دارد بسیج توده و شکل‌گیری تعارضات، عمده‌تأبازتاب تشدید نابرابری‌های اجتماعی است. توده مردمی که در یک جامعه زندگی می‌کنند انتظار دارند تا دولت توان برآورد نیازهای آن‌ها داشته باشد. اگر این خواسته برآورده نشود و یا در تأمین آن مشکلات حادی برای توده به وجود آید، واکنش اولیه در اعتراض به مشکلات اقتصادی، مشکلات معیشتی، بی‌عدالتی اجتماعی، استبداد و انحطاط، ناامنی‌های اجتماعی از قبیل بزهکاری و بیکاری، رقابت‌های سیاسی خارج از قواره جناح‌های سیاسی، ناتوانی دولت در اداره امور جامعه و رواج ناامنی و

مواردی مانند آن زمینه‌های بحران در جوامع را شکل می‌دهد. عوامل ایجادکننده بحران متفاوت است. با توجه به دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان در حوزه‌های متنوع علمی برای بحران تعاریفی ارائه شده است. این تعاریف اغلب بر شرایط فقدان تصمیم، غافلگیری و زمان محدود برای واکنش، مورد تهدید قرار گرفتن اهداف و ارزش‌ها، افزایش احتمال بی‌ثباتی، درگیری، خصومت و خشونت دلالت دارند. تعاریف متعدد و دلالت‌های آنها نشان می‌دهند که بحران دارای ماهیتی چندوجهی و با وجود تنوع مصادیق در سطوح مختلف، قابل تحلیل است (خان‌محمدی، معمارزاده و وفادار، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

انباشت مطالبات و خواسته‌های اقشار مختلف و لایه‌های گوناگون جامعه ایران در دوره‌های مختلف مدیریت دولت‌ها و پاسخ نیافتن آن‌ها، این تعویق پاسخ‌گویی به مطالبات موجب شده جریان پوپولیستی^۱ بتواند از وضعیت به وجود آمده استفاده کرده و با پیوند زدن لایه‌های گوناگون جامعه، که بعضاً خواسته‌ها یا دغدغه‌های متفاوتی دارند، آن‌ها را به خیابان فرا بخواند. اگر جریان پوپولیست یا بسیج‌کننده پوپولیست درون حکومتی باشد، ظرفیت تخریب‌گری زنجیره‌های هم‌ارزی پایین می‌آید، اما اگر برون‌حکومتی باشد، می‌تواند به سمت تخریب‌گری و ایجاد بحران سیاسی برای حاکمیت مستقر میل کند (پورسعید، ۱۳۹۶).

عدم پاسخ‌گویی به تقاضاهای مشروع اقشار مختلف جامعه، فساد دولتی، بی‌عدالتی، فقر، بیکاری، گرانی، تورم، اختلاف طبقاتی، انباشت مطالبات مردمی، نادیده گرفتن مطالبات مردمی و ... برآمده از مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی، صنفی به همراه دوره گذار منجر به ناآرامی‌های خیابانی می‌گردد این ناآرامی‌ها پدیده‌های امنیتی نیستند بلکه منعکس‌کننده مطالبات مردمی می‌باشند از منظر کارکردی همانند صوت دیگ زودپز عمل می‌کند و مانع از انفجار جامعه می‌شود. بنابراین از آنجا که «بنیان دولت‌ها برپایه رضایت مردم تحت حکومت است برای ایجاد ثبات همواره باید از برخورد جدی میان مردم و دولت احتراز کرد» (بوزان، ۱۳۷۸: ۹).

یافته‌های پژوهش:

الف) ابعاد بحران‌های اجتماعی

شکل ۱: مقایسات زوجی ابعاد بحران‌های اجتماعی

Compare the relative importance with respect to: Goal: goal			
	D1	D2	D3
D1		2.335	3.332
D2			1.884
D3	Incon: 0.01		

۱. سیاست‌مداران برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های سیاسی حزبی خود به دنبال رضایت عمومی و جلب پشتیبانی و حمایت مردم از طریق طرفداری از حقوق و علایق مردم عامه هستند.

جدول ۱: ابعاد بحران‌های اجتماعی

رتبه	وزن	ابعاد
۱	۰.۵۷۴	اقتصادی
۲	۰.۲۶۹	سیاسی
۳	۰.۱۵۷	اجتماعی و فرهنگی

ب) مولفه‌های بحران اجتماعی

ب-۱) بعد اقتصادی

شکل ۲: مقایسات زوجی مولفه‌های بعد اقتصادی

Compare the relative importance with respect to: D1		
	C11	C12
C11		2.773
C12	Incon: 0.00	

جدول ۲: مولفه‌های بُعد اقتصادی

رتبه	وزن	مولفه‌ها
۱	۰.۷۳۵	عدم مدیریت داخلی
۲	۰.۲۶۵	تحریم اقتصادی

ب-۲) بعد سیاسی

شکل ۳: مقایسات زوجی مولفه‌های بعد سیاسی

Compare the relative importance with respect to: D2			
	C21	C22	C23
C21		2.251	3.775
C22			1.796
C23	Incon: 0.00		

جدول ۳: مولفه‌های بُعد سیاسی

رتبه	وزن	مولفه‌ها
۱	۰.۵۸۴	عدم مدیریت؛ دولت، احزاب و اپوزیسیون داخل کشور
۲	۰.۲۶۵	اپوزیسیون سیاسی خارج کشور به همراه گروهک‌های جدایی طلب
۳	۰.۱۵۱	دخالت و حمایت کشورهای بیگانه

ب-۳) بعد اجتماعی و فرهنگی

شکل ۴: مقایسات زوجی مولفه‌های بعد اجتماعی و فرهنگی

Compare the relative importance with respect to: D3		
	C31	C32
C31		2.555
C32	Incon: 0.00	

جدول ۴: مولفه‌های بُعد اجتماعی و فرهنگی

رتبه	وزن	مولفه‌ها
۱	۰.۷۱۹	عدم مدیریت داخلی
۲	۰.۲۸۱	حمایت و دخالت خارجی

ج) بعد اقتصادی

ج-۱) مولفه‌های عدم مدیریت داخلی

شکل ۵: مقایسات زوجی مولفه‌های عدم مدیریت داخلی

Compare the relative importance with respect to: D1 \ C11							
	S11	S12	S13	S14	S15	S16	
S11		3.231	5.352	3.665	4.872	5.231	
S12			1.123	3.755	1.195	1.998	
S13				3.012	1.335	2.441	
S14					2.337	3.123	
S15						1.421	
S16	Incon: 0.08						

جدول ۵: بُعد اقتصادی، مولفه عدم مدیریت داخلی

رتبه	وزن	شاخص‌ها
۱	۰.۴۳۹	عدم شکل‌گیری اقتصاد اسلامی
۲	۰.۱۶۶	تورم، بیکاری، گرانی به همراه نابرابری و اختلاف طبقاتی
۳	۰.۱۴۶	عدم توزیع عادلانه ثروت و امکانات
۴	۰.۱۰۷	اقتصاد تک قطبی
۵	۰.۰۸۴	نوسانات قیمت ارز و سقوط ارزش پول ملی
۶	۰.۰۵۸	اعتراضات و اعتصابات صنفی

ج-۲) مولفه‌های تحریم اقتصادی

شکل ۶: مقایسات زوجی مولفه‌های تحریم اقتصادی

Compare the relative importance with respect to: D1 \ C12			
	S21	S22	S23
S21		1.872	3.551
S22			2.884
S23	Incon: 0.02		

جدول ۶: بُعد اقتصادی، مولفه تحریم اقتصادی

رتبه	وزن	شاخص‌ها
۱	۰.۵۳۸	فساد ناشی از دور زدن تحریم‌ها (واسطه‌گری و...)
۲	۰.۳۳۰	افزایش هزینه‌های ناشی از دور زدن تحریم
۳	۰.۱۳۲	تورم، بیکاری و گرانی

(د) بعد سیاسی

(۱-د) مولفه‌های دولت، احزاب و اپوزیسیون داخل کشور

شکل ۷: مقایسات زوجی مولفه‌های دولت، احزاب و اپوزیسیون داخل کشور

Compare the relative importance with respect to: D2 \ C21										
	S31	S32	S33	S34	S35	S36	S37	S38	S39	
S31		3.154	2.441	3.698	4.752	3.988	3.476	5.122	3.699	
S32			3.255	2.885	2.355	3.126	3.254	1.221	1.655	
S33				1.355	1.772	1.693	1.795	1.123	1.252	
S34					1.385	1.521	2.032	1.884	1.475	
S35						1.245	1.475	2.123	1.274	
S36							2.355	1.355	1.123	
S37								1.985	2.123	
S38									1.655	
S39	Incon: 0.05									

جدول ۷: بُعد سیاسی، مولفه دولت، احزاب و اپوزیسیون داخل کشور

رتبه	وزن	شاخص‌ها
۱	۰,۲۹۸	عدم شکل‌گیری گفت‌وگو اسلامی در سیاست، ساختارها و سازمان‌ها
۲	۰,۱۷۲	ضعف در شایسته‌سالاری و نخبه‌سالاری
۳	۰,۰۹۶	فساد دولتی و اداری
۴	۰,۰۹۱	سلب اعتماد مردم از سیاست‌یون.
۵	۰,۰۷۷	جریان‌های پوپولیستی
۶	۰,۰۷۳	رقابت‌های غیرسازنده احزاب
۷	۰,۰۶۷	سیاست‌های ناصحیح پیرامون اقوام و مذاهب
۸	۰,۰۶۵	تضعیف هویت/بحران هویت
۹	۰,۰۶۱	معمای‌های دفاع و امنیتی

(۲-د) مولفه‌های اپوزیسیون سیاسی خارج کشور به همراه گروهک‌های جدایی طلب

شکل ۸: مقایسات زوجی مولفه‌های اپوزیسیون سیاسی خارج کشور به همراه گروهک‌های جدایی طلب

Compare the relative importance with respect to: D2 \ C22							
	S41	S42	S43	S44	S45	S46	
S41		3.123	2.223	1.877	3.265	4.231	
S42			2.423	1.985	3.232	1.887	
S43				1.885	2.123	1.985	
S44					1.557	2.223	
S45						1.754	
S46	Incon: 0.05						

جدول ۸: بُعد سیاسی، مولفه اپوزیسیون سیاسی خارج کشور به همراه گروهک‌های جدایی طلب

رتبه	وزن	شاخص‌ها
۱	۰,۳۴۷	تخریب چهره مسئولین نظام
۲	۰,۲۱۶	تضعیف غرور ملی
۳	۰,۱۵۳	کاهش مشارکت سیاسی
۴	۰,۱۲۶	سیاه‌نمایی
۵	۰,۰۸۶	شایعه‌سازی
۶	۰,۰۷۲	تحریک مردم

د-۳) مولفه‌های دخالت و حمایت کشورهای بیگانه

شکل ۹: مقایسات زوجی مولفه‌های دخالت و حمایت کشورهای بیگانه

Compare the relative importance with respect to: D2 \ C23					
	S51	S52	S53	S54	S55
S51		1.889	2.655	2.665	3.552
S52			2.88	3.123	1.988
S53				1.754	2.655
S54					2.785
S55	Incon: 0.07				

جدول ۹: بُعد سیاسی، مولفه دخالت و حمایت کشورهای بیگانه

رتبه	وزن	شاخص‌ها
۱	۰,۳۶۲	حمایت مادی و معنوی از اپوزیسیون و گروه‌های جدایی طلب و تروریستی
۲	۰,۲۷۷	جنگ نرم (قدرت نرم)
۳	۰,۱۵۵	فعالیت سرویس‌های اطلاعاتی و فعال نمودن عوامل خود در داخل کشور
۴	۰,۱۲۵	حمایت مادی و معنوی از پدیده‌ها و جنبش‌های اجتماعی ایران
۵	۰,۰۸۰	تلاش برای منزوی نمودن ایران

هـ) بعد اجتماعی و فرهنگی

هـ-۱) مولفه‌های عدم مدیریت داخلی

شکل ۱۰: مقایسات زوجی مولفه‌های عدم مدیریت داخلی

Compare the relative importance with respect to: D3 \ C31							
	S61	S62	S63	S64	S65	S66	S67
S61		5.234	3.555	3.721	4.422	3.665	3.255
S62			3.552	1.985	2.665	1.887	3.235
S63				2.321	1.881	1.985	2.123
S64					1.885	2.321	1.014
S65						2.255	1.985
S66							1.366
S67	Incon: 0.08						

جدول ۱۰: بُعد اجتماعی و فرهنگی، مولفه عدم مدیریت داخلی

رتبه	وزن	شاخص‌ها
۱	۰,۳۸۸	عدم شکل‌گیری گفتمان اسلامی در حوزه اجتماعی و فرهنگی
۱	۰,۱۸۷	دوره گذار
۲	۰,۱۲۱	مفاسد و معطلات اجتماعی.
۳	۰,۰۹۴	مایوس شدن/ ناامیدی از آینده.
۴	۰,۰۸۲	کاهش اعتماد عمومی.
۵	۰,۰۶۵	تضعیف ضریب ایدئولوژیک
۶	۰,۰۶۳	کاهش سرمایه و انسجام اجتماعی

هـ-۱) مولفه‌های حمایت و دخالت خارجی

شکل ۱۱: مقایسات زوجی مولفه‌های حمایت و دخالت خارجی

Compare the relative importance with respect to: D3 \ C32						
	S71	S72	S73	S74	S75	S76
S71		1.985	2.351	4.455	3.656	3.123
S72			1.385	2.985	1.885	1.655
S73				1.395	1.235	1.885
S74					1.985	1.222
S75						1.552
S76	Incon: 0.03					

جدول ۱۱: بُعد اجتماعی و فرهنگی، مولفه حمایت و دخالت خارجی

رتبه	وزن	شاخص‌ها
۱	۰,۳۵۹	تغییر سبک زندگی ایرانی و اسلامی.
۲	۰,۲۰۱	مایوس شدن/ ناامیدی از آینده.
۳	۰,۱۴۳	کاهش اعتماد عمومی.
۴	۰,۱۰۸	افزایش مطالبات عمومی (خواسته‌ها)
۵	۰,۰۹۹	تهاجم فرهنگی
۶	۰,۰۹۰	استحاله فرهنگی (تزلزل نهاد خانواده، تغییر باورها، ارزش‌ها و آموزه‌های دینی مردم و...)

جدول ۱۲: ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های بحران اجتماعی (مدل مفهومی پژوهش)

ابعاد	مولفه‌ها	شاخص‌ها
اقتصادی (D1)	۱- عدم مدیریت داخلی (C11)	۱- عدم شکل‌گیری اقتصاد اسلامی (S11) ۲- تورم، بیکاری، گرانی به همراه نابرابری و اختلاف طبقاتی (S12) ۳- عدم توزیع عادلانه ثروت و امکانات (S13) ۴- اقتصاد تک قطبی (S14) ۵- نوسانات قیمت ارز و سقوط ارزش پول ملی (S15) ۶- اعتراضات و اعتصابات صنفی (S16)
	۲- تحریم اقتصادی (C12)	۱- فساد ناشی از دور زدن تحریم‌ها (واسطه‌گری و...) (S21) ۲- افزایش هزینه‌های ناشی از دور زدن تحریم (S22) ۳- تورم، بیکاری و گرانی (S23)

ابعاد	مولفه‌ها	شاخص‌ها
سیاسی (D2)	عدم مدیریت؛ دولت، احزاب و اپوزیسیون قانونی داخل کشور (C21)	۱- عدم شکل‌گیری گفتمان اسلامی در سیاست، ساختارها و سازمان‌ها (S31) ۲- ضعف در شایسته سالاری و نخبه سالاری (S32) ۳- فساد دولتی و اداری (S33) ۴- سلب اعتماد مردم از سیاسیون. (S34) ۵- جریان‌های پوپولیستی (S35) ۶- رقابت‌های غیرسازنده احزاب (S36) ۷- سیاست‌های ناصحیح پیرامون اقوام و مذاهب (S37) ۸- تضعیف هویت /بحران هویت (S38) ۹- معماهای دفاع و امنیتی (S39)
	۲- اپوزیسیون سیاسی خارج کشور به همراه گروهک‌های جدایی طلب (C22)	۱- تخریب چهره مسئولین نظام (S41) ۲- تضعیف غرور ملی (S42) ۳- کاهش مشارکت سیاسی (S43) ۴- سیاه‌نمایی (S44) ۵- شایعه‌سازی (S45) ۶- تحریک مردم (S46)
	۳- دخالت و حمایت کشور‌های بیگانه (C23)	۱- حمایت مادی و معنوی از اپوزیسیون و گروه‌های جدایی طلب و تروریستی (S51) ۲- جنگ نرم (قدرت نرم) (S52) ۳- فعالیت سرویس‌های اطلاعاتی و فعال نمودن عوامل خود در داخل کشور (S53) ۴- حمایت مادی و معنوی از پدیده‌ها و جنبش‌های اجتماعی ایران (S54) ۵- تلاش برای منزوی نمودن ایران (S55)

ابعاد	مولفه‌ها	شاخص‌ها
اجتماعی و فرهنگی (D3)	۱- عدم مدیریت داخلی (C31)	۱- عدم شکل‌گیری گفت‌وگوهای اسلامی در حوزه اجتماعی و فرهنگی (S61) ۲- دوره گذار (S62) ۳- مفاسد و معضلات اجتماعی. (S63) ۴- مایوس شدن / ناامیدی از آینده. (S64) ۵- کاهش اعتماد عمومی. (S65) ۶- تضعیف ضریب ایدئولوژیک (S66) ۷- کاهش سرمایه و انسجام اجتماعی (S67)
	۲- حمایت و دخالت خارجی (C32)	۱- تغییر سبک زندگی ایرانی و اسلامی. (S71) ۲- مایوس شدن / ناامیدی از آینده. (S72) ۳- کاهش اعتماد عمومی. (S73) ۴- افزایش مطالبات عمومی (خواسته‌ها) (S74) ۵- تهاجم فرهنگی (S75) ۶- استحاله فرهنگی (تزلزل نهاد خانواده، تغییر باورها، ارزش‌ها و آموزه‌های دینی مردم و...) (S76)

بحث و نتیجه‌گیری:

بحران‌های اجتماعی متأثر از ابعاد و جوانب مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌باشند لیکن بحران‌های اجتماعی خود نیز ابعاد و جوانب مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در کلیه ابعاد شناخته شده بحران‌های اجتماعی مولفه عدم مدیریت داخلی نسبت به سایر مولفه‌های دیگر مهم‌تر و حائز اهمیت‌تر می‌باشد. مولفه عدم مدیریت داخلی پاشنه آشیل بحران‌های اجتماعی است. این مهم همچنین در مدیریت بحران‌های اجتماعی نیز - قبل، حین و بعد از وقوع بحران- مانع از اقدام به موقع-غیرنظامی و غیرامنیتی- می‌شود. با این وجود به نظر می‌رسد انگشت مسئولین غالباً به سمت خارج از کشور نشانه می‌رود. حال آنکه بیش‌تر در نتیجه عدم مدیریت داخلی ایشان، حمایت و دخالت خارجی بحالی برای موج‌سواری پیدا می‌کند.

شواهد مبتنی بر شیوه‌های مدیریت حل بحران‌های اجتماعی نشان می‌دهد که همانند تشخیص غیردقیق بیماری یک انسان، معمولاً عارضه با علت بیماری-بحران- اشتباه گرفته می‌شود. برای آنکه عارضه با علت بیماری-بحران- اشتباه گرفته نشود ناگزیر بایستی به ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های بحران توجه داشت.

بحران‌های اجتماعی عمدتاً زمینه‌های اقتصادی و سیاسی دارند اگر به این زمینه‌ها توجه شود، می‌توان از بسیاری معضلات جلوگیری نمود. معضلاتی که برون داد آن در حوزه امنیتی، قطعاً مطلوب نخواهد بود و می‌تواند دولت را در تنگناهای حاصل از بحران قرار دهد. بدون تردید با توجه جدی به مطالبات به حق مردمی به همراه سیاست‌گذاری و تدوین اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت پیرامون ابعاد سه گانه بحران‌های اجتماعی می‌توان از وقوع بحران پیش‌گیری نمود.

منابع:

- آراسته‌خواه، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی، چاپ تهران.
- بوزان، باری (۱۳۶۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهادری، مهدی (۱۳۹۲)، نقش افق در پیش‌گیری و کنترل بحران (فصلنامه اطلاعاتی حفاظتی جامعه اطلاعاتی سال چهارم، شماره چهارم، صفحه ۱۳۵-۱۶۶)، تهران، انتشارات مرکز آموزشی-پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۶)، نارضایتی اجتماعی، فرصت سیاسی و ناآرامی خیابانی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پیغمبردوست، سعید (۱۳۸۸)، ارتش و قومیت‌های مرزنشین در امنیت ملی، تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی.
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۶)، «شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز تحلیل‌ها، تخمین‌ها و تدبیرها»، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- تد رابرت گار (۱۳۷۷)، «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟»، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تقی‌پور، قاسم (۱۳۸۶)، بررسی نقش سلامت در تامین امنیت اجتماعی (فصلنامه علمی-ترویجی امنیت پژوهی شماره هفدهم و هیجدهم صفحه ۱۰۹-۱۴۴)، تهران، انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی.
- جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۷۹)، نظریه‌های مختلف جامعه‌شناختی: جنبش‌های اجتماعی، روزنامه دوران امروز، شماره ۷۸
- خان‌محمدی، سهراب و معمارزاده، غلامرضا و وفادار، حسین (۱۳۸۹). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های بحران انتظامی. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم، شماره اول، ۱۱۷-۱۰۱
- خبیری، کابک (۱۳۷۷)، مؤلفه‌های جامعه مدنی و بحران‌های اجتماعی، نشریه گفت‌وگو شماره ۱ صفحه ۱۲۹-۱۴۲، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ربیعی، علی (۱۳۸۶)، بحران‌های اجتماعی ایران امروز، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی ایران شماره ۳۱، صفحه ۵۱-۸۰، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- ساوودرودی، مصطفی (۱۳۹۰)، راهبردهای سازمانی در مدیریت بحران، تهران، دانشکده فارابی.
- ساوودرودی، مصطفی، عسگری، شاداب (۱۳۹۲)، زمینه‌های بروز بحران‌های اجتماعی، چیستی و چگونگی (فصلنامه اطلاعاتی حفاظتی جامعه اطلاعاتی سال چهارم، شماره چهارم، صفحه ۴۷-۷۱)، تهران، انتشارات مرکز آموزشی-پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
- سوری، علیرضا (۱۳۹۴)، اصول و مبانی و رویکردهای مدیریت بحران (با تأکید بر بحران‌های اجتماعی)، فصلنامه مدیریت بحران سال هفتم شماره ۲۴، دانشگاه امام حسین (ع).

- قانون اساسی ج.ا.ا.
- قانندی، محمدرضا (۱۳۸۲)، **مؤلفه‌های نظری بحران**، (فصلنامه راهبرد شماره ۲۹)، پایگاه اینترنتی بصیرت <http://basirat.ir>
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، **تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها**، تهران: موسسه مطالعات ملی
- ناکینی، محسن (۱۳۹۶)، **تاثیر سازماندهی در مدیریت بحران‌های اجتماعی**، (فصلنامه علمی - ترویجی پدافند غیرعامل و امنیت سال ششم - شماره ۱۸)، تهران، انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی.
- بی‌نام (۱۳۹۳)، **بحران اجتماعی چیست؟ ...** www.cloob.com

ملاحظات اساسی در تسهیل مدیریت بحران در معادن زیرزمینی

امیر شاطری^۱

چکیده:

با توجه به شواهد موجود معدن کاری و استفاده از مواد معدنی قدمت هزاران ساله دارد یعنی از زمانی که بشر طلا را در معادن روباز و یا رودخانه ها کشف و با وسایل ابتدایی استخراج کرد به معدنکاری پرداخت. اما امروزه معدنکاری حرفه ای بسیار پیچیده و پر هزینه است چرا که اکنون معادن عمیق تر لایه های غنی کمی تر و عیار فلز کانه ها کمتر شده است. معدن کاری، صنعت پیچیده ای است که بر مبنای بسیاری از رشته های صنعتی دیگر بنا شده است و بنابراین مطالعه در مورد چنین صنعتی، مشکلات خاص خود را دارد. (قنبری و همکاران، ۱۳۹۳:۷)

ما در این پژوهش به این سوال می پردازیم که ملاحظات اساسی در تسهیل مدیریت بحران در معادن زیر زمینی چیست؟ و مسئله این پژوهش بررسی نقش ملاحظات (پیش بینی، پیشگیری) در تسهیل مدیریت بحران در معادن زیرزمینی است. با توجه به بررسی این محقق که از روش تحقیق توصیفی و با ابزار گردآوری اسنادی و کتابخانه ای صورت گرفته عمده سناریوهایی که پتانسیل ایجاد بحران در معادن زیر زمینی را داشته شامل چهار موضوع ریزش، سقوط کیچ، خفگی و آتش سوزی و انفجار می باشد.

واژگان کلیدی: بحران - معدن زیرزمینی - کیچ - مدیریت بحران